

نماد «قدرت زنان» در برابر زبونی مردک های نا انسان!



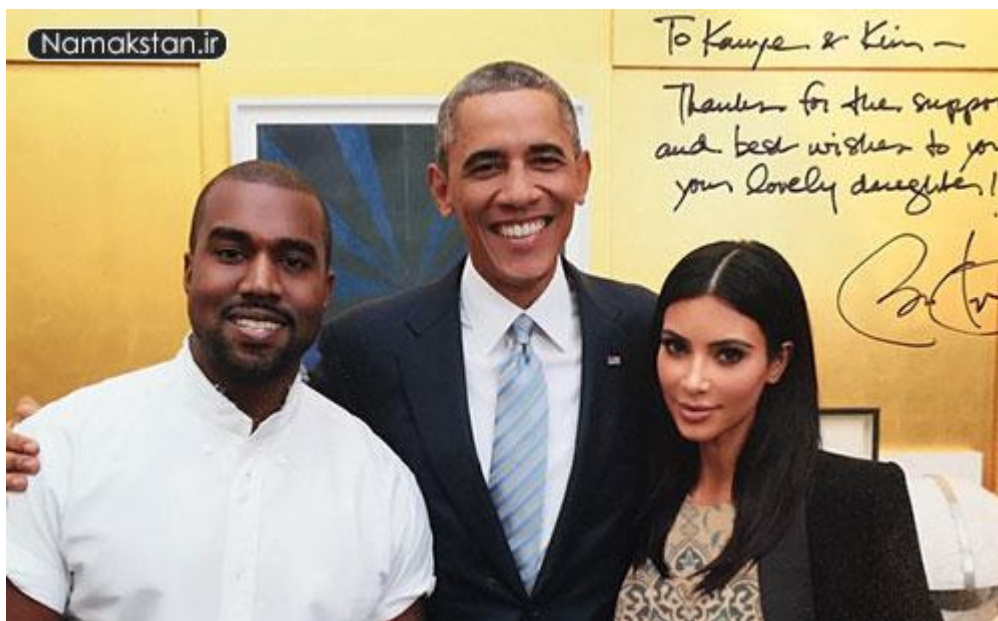
دختر خانمی پاکستانی که با نام مستعار «قندیل بلوچ» خویشان را «نماد قدرت زنان» در برابر جامعه منحل مردسالار میدانست؛ پس از به رسوایی کشانیدن بی پیشینه یکی از سمبول های مذهب و تقوی و تقدس و جهاد و فتوا جان و جوانی و زیبایی و زنانه گی اش را فدا کرد و به خیل عظیم قربانیان خرد و آزادی و انسانیت پیوست.

قندیل بلوچ به زعم اخته غلامان حرم های بدفرهنگی؛ جسارت آواز خوانی میکرد و در شبکه های اجتماعی تبارزات زنانه داشت یعنی خودش را آوازخوان، بازیگر و مدل می نامید و بسیاری از زوایای زندگی خصوصی اش را به خواست خود به دید عموم می گذاشت تا بر باور ها و سنن خفه کننده جامعه مردسالار پاکستان عصیان کرده باشد. بعضی از ویدئوهای او میلیون ها بازدید کننده داشت که در برخی تصاویر؛ او با لباس شنا یا بدنسازی دیده می شد.

بنابر همین ملحوظات؛ قندیل بلوچ که نام اصلی اش فوزیه عظیم بود؛ به «کیم کار داشیان

پاکستان» شهرت یافته بود.

کیم کارداشیان یکی از ستاره گان سینمای معاصر و زیباییان متشبهت و متشخص جهان است که در تصویر آتی با شوهرش کنار بارک اوباما رئیس جمهور امریکا دیده میشود:



کیمبرلی نوئل کارداشیان متولد ۲۱ اکتبر سال ۱۹۸۰ میلادی است. او دختر یک خانواده معروف و شخصیت تلویزیونی واقع نما، بازیگر، مدل و بازرگان اهل آمریکا می باشد. وی در سال ۲۰۰۷ نسبت اینکه فیلم محرم رابطه عاشقانه با دوست پسر سابقش ری جی به رسانه ها درز داده شده بود؛ دعوایی به راه انداخت که تنها در بدل پنج ملیون دالر جریمه؛ حاضر شد از آن بگذرد. کیم کارداشیان پس از بازی های موفق در چندین نمایش؛ در سال ۲۰۱۰ با ۶ میلیون دلار درآمد، پر درآمدترین ستاره سریال های واقع نما گردید. از قرار معلوم او اکنون صاحب یک طفل شده است.

ولی قنديل بلوچ يا كار داشيان پاكستاني؛ كه به حكم آفرينش زن بود و زيبا بود؛ فقط در کنار اظهار فكر و اندیشه؛ تصاویری از زیبایی و زیبا رویی خود به نشر میداد و به همین دلیل مورد طعن و لعن از یک طرف و نگاه ها و خواهشات شهوانی مردکان نامرد از سوی دیگر قرار میگرفت.

درین سلسله او که از جامعه مردسالار و تقوی فروشان دینباز و دغلکار؛ تأثرات بسیار داشت؛ باری به تقاضای های اغلب همراه با تهدید و تطمیع مفتی بلند مقام پاکستانی عبدالقوی؛ خواه ناخواه به نزد او رفت ولی با مهارت و شطارت؛ تقریباً تمام جریان ملاقاتش با مفتی را به طریق تکنیک تصویر برداری سلفی توسط موبایل؛ ضبط نموده به گونه عکس ها و ویدیو؛ در رسانه های اجتماعی منتشر ساخت.

این افشاگری بی پیشینه و غیر منتظره؛ آنهم در ماه عبادات اسلامی رمضان؛ برای کاربران رسانه های اجتماعی بیحد جالب افتاد و قرار منابع زیادی میلیون ها نفر از آن بازدید کرده و به تکثیر های مضاعف آن پرداختند.

خانم بلوچ که از جامعه مردسالارانه پاکستان به شدت انتقاد می کرد و در یک مصاحبه اخیر، خود را یکی از نمونه های قدرت زنان خوانده بود؛ حامیان بسیاری به ویژه در میان جوانان داشت؛ اما در عین حال عده ای هم در شبکه های اجتماعی و بیرون از آنها از رفتار و گفتارش شدیداً انتقاد می کردند که امری چندان غیرطبیعی نمی باشد. او طی همین افشاگری متهورانه اش تصریح کرده بود که:

«مفتی عبدالقوی بار بار تلاش کرد مرا ببوسد و در آغوش بگیرد»

به گزارش خبرگزاری رشد؛ هفته گذشته (اخیر رمضان) بود که تصویرهای سلفی رضائی و ویدیوی قندیل بلوچ آوازخوان و مودل پاکستانی با یکی از عالمان دینی سرشناس آن کشور به شبکه های اجتماعی و رسانه ها کشانیده شد و سروصدای زیادی ایجاد کرد.

قندیل بلوچ؛ برخی از جزئیات دیدار خصوصی اش با مفتی عبدالقوی عضو کمیته هلال و شورای علمای پاکستان را در گفتگو با رسانه ها فاش ساخت.

قندیل بلوچ به روزنامه دان پاکستان در مورد دیدار خصوصی اش گفته است: «او (مفتی قوی) می خواست مرا بوسه کند و در آغوش بگیرد... من خندیدم و برایش گفتم که این کار را نمی کنم. بعداً او آرام شد و گفت که می دانم در اولین جلسه نمی توانی بپذیری و وقتی روابط مان توسعه یافت، با یکدیگر بیش تر نزدیک خواهیم شد..»

قندیل در ادامه گفته است: «در موبلی که من نشسته بودم مفتی در کنارم نشست و دوباره تلاش می کرد. وقتی من خواستم بس کند؛ او در باره عشق آغاز به صحبت کردن نمود و گفت که می داند چگونه یک خانم را به راه بیاورد.»

رسوایی این عالم دینی مشهور پاکستان در حالی است که علمای پاکستانی همواره به جهاد در افغانستان تاکید می کنند و آن را مشروع و اسلامی می دانند.

افشای دیدار مخفیانه این عالم دینی پاکستان با قنديل بلوچ سر و صدای زیادی را در پاکستان و همچنان در میان مردم افغانستان که از علمای آن کشور خاطرات تلخی دارند، به پا کرد.

پیش از این در ویدیویی که به نشر رسیده بود قنديل بلوچ گفته بود در دیدار با مفتی عبدالقوی از او پرسید که؛ مولانا روزه دار است یا خیر، مفتی جواب داد که روزه اش را به خاطر ... (دختر) شکسته است.

این مودل پاکستانی گفت که مفتی عبدالقوی از من باربار تقاضا میکرد که ملاقاتی با او داشته باشم تا قبل از دیدن ماه، روزه اش را با مهتاب روی من افطار نماید.

در تصویرها و ویدیو؛ مفتی عبدالقوی با چهره خودمانی و بشاش، شانیه به شانیه و در کنار قنديل بلوچ که کلاه عبدالقوی را نیز به سر کرده و لباس تحریک کننده بی با بازوهای برهنه به تن دارد، دیده می شود.



مفتی عبدالقوی پس از تشدید واکنشها؛ به جیونیوز گفته است دختر از او خواسته تا دیداری داشته باشند و در این جریان کلاهش را به سر خود کرده، در حالی که وی مصروف حرف زدن در تلفون بوده غافلانه عکس های سلفی گرفته است.

اما خانم بلوچ این اظهارات او را رد کرده و گفته: نیازی نداشت که به خاطر ملاقات با این ملای پاکستانی از او درخواست نماید.

در همین حال ملای پاکستانی ادعا کرده که این دختر را به راه راست دعوت کرده و از او خواسته تا در رمضان نماز بخواند!!!

سال گذشته طاهر اشرفی، رهبر شورای علمای پاکستان که پیش از آن نیز به سرنوشت مشابه این مفتی سردچار شده بود، در حالت مستی با بوتل‌های شراب در موترش از سوی پولیس پاکستان گرفتار و مدتی زندانی گردید.

خانم قنديل بلوچ يا فوزيه عظيم سرانجام گویا توسط وسيم برادرش تخدير و خفه گردیده به قتل رسانیده شد. ولی قرآینی هست که نشان میدهد دو نفر دیگر هم که قبل از گرفتاری وسيم با وی فرار کرده بودند و هنوز متواری اند؛ درین جنایت هولناک دست داشته اند. گرچه وانمود میگردد که قتل خانم قنديل؛ از سلسله قتل‌های ناموسی باشد که طی همین سال در پاکستان به بیش از 1100 مورد بالغ گردیده است؛ معهذا انگیزه‌ها و تمهیدات و تدارکات دیگر؛ منجمله از سوی ملایان افراطی و شبکه‌های تروریستی به شمول سازمان جهنمی آی ایس آی؛ در مورد متصور و مفهوم است. چرا که جسارت غیر منتظره و لرزاننده خانم بلوچ در هدفگیری سمبول‌های دین و مقدسات و جهاد و سیاستگری‌های جهادپرستی ارکان‌های ثروت ستراتیژیک ملیتاریزم پاکستان یعنی بنیاد‌های ترور و شرارت را رسوا و بالنتیجه متزلزل گردانیده است.

حتی این قتل بزدلانه و مخنثانه تنها یک عمل انتقامجویانه نبوده بلکه ناشی از ترس و وحشت از دامن گستری این نوع از مبارزه بسیار پرتوان زنانه میباشد.

در تاریخ مبارزات بشری برای احقاق حق و تأمین عدالت و کسب آزادی؛ قهرمانی‌های رزمی که با فداکردن زیبایی و جذابیت‌های زنانه‌گی و بالاخره قربانی کردن آخرین نقد‌های نفس و جان؛ زنان و دختران مبارز عالم انجام داده اند؛ سوابق بسیار و با شکوه دارد که همه هم لزوماً در کتاب‌ها و فیلم‌ها و حتی در قصه‌های عامیانه منعکس نشده است. با اینهم موارد مکتوب و دیدنی و شنیدنی از گونه

سرگذشت رزمنده قهرمان جمیله بوپاشا؛ کم نیستند و باید جوانان و آینده گان اعم از دختر و پسر؛ به این گنجینه های شهامت و شرافت راستین انسانی مراجعات بایسته داشته باشند.

متأسفانه خرده فرهنگ های منحط شبان - رمه ای ما؛ از کودکی تا بزرگسالی مجال چندانی خاصاً به پسران و مردان نمیدهد که از جنسیت خود شان و جنسیت دختران و زنان تصور خردمندانه و درست و شایسته داشته باشند و نوامیس طبیعت را عاقلانه مورد اعتنا و احترام و رعایت قرار دهند.

تقریباً هنوز قاعده بر آن است که برای من مرد؛ باید زن زیبا ترین، رعنا ترین؛ طنز ترین و خرامان و پر کرشمه و خلاصه کمال مطلق جمال و خوبی و لطافت و ظرافت باشد ولی چنین چیزی را نه تنها برای دیگر ها روا دار نیستم بلکه حتی خواهر و مادر و دختر و بستگان مماثلم نباید چنان باشند و حتی نباید زن و زنانه باشند و تظاهرات طبیعی و غریزی زنانه از ایشان متبارز گردد و... و... روشن است که بحث معرفت شناختی و روانشناختی و فرهنگ شناسی درین گستره؛ اینجا مقدور نیست ولی در یک کلام این وضع ما که از خانواده و جامعه می آید؛ بیماری است و بس!

هان! اخلاق به راستی که چیز لازمی برای زیست اجتماعی و سلامتی و پویایی آن است ولی اخلاقی که بر خلاف طبیعت و آفرینش باشد؛ اخلاق نیست؛ کله ملاقی و سر به تالاقی است!

روی همه این ملحوظات بدیهی و عینی؛ زن ها در همه احوال زن اند و مردان؛ مرد؛ زن با زنانه گی خویش می زنند و به پیش می روند و مردان؛ با مردانه گی خویش در تمامت معنای آن!

البته به هیچ وجه سخن بر سر این نیست که در هر حال؛ میتوانیم در کمال مطلوب و خواسته مانور کنیم و به حدود و ثغور باور ها و جبر های سرسخت جامعه مربوطه بی اعتنا و بی ملاحظه باشیم؛ معهذا تلاش و مبارزه برای پیشرفت و تعالی و تکامل؛ حتی الامکان بدون گسستن یک سلسله قید و بند های اسیر کننده و زنجیر های دست و پا گیر نیز غیر میسر است و لاجرم این تضاد وضع موجود و

وضع ایده آل و آرمانی و ایجابات و مقتضیات متناقض باعث پیدایش مرارت ها و عذاب ها و بالاخره قربانی های سرو جان و هستی فردی و گروهی میگردد.

درین سلسله آشکار ترین معنای قربان شدن خانم قنديل بلوچ؛ فدا شدن در راه مبارزه برای آزادی و اعتلای خردمندی و انسانیت متکامل میباشد و به دلایلی این پاکبازی و فداگشتن برای ما مردم افغانستان؛ ارج و منزلت برتر و گرامی تر هم دارد. سزاوار است که همه مردم افغانستان و نسل های آینده ما شهادت دختر رعنا و زیبا و شجاع قنديل بلوچ را در قطار شهدا و قهرمانان خویشتن همیشه به یاد داشته باشند و از آن تجلیل شایان به عمل آورند.

این تجلیل و تذکار حتی به سطح وسیع و جهانی؛ این روز ها که فشار های بین المللی باید بر پاکستان و عمال ملیتاریزم تروریست پرور آن در حال افزایش میباشد؛ یک برگه بُرد قوی و پر تأثیر و قانع کننده دیگر را در اختیار ما و دوستان کشور و مردم و آرمانهای برحق ما میگذارد.

وای بر من؛ اگر هنوز نتوانسته باشم چیزی به هموطنان گرامی ام بفهمانم!

وای بر آنان که بر شهادت و قربانی این پری دختر جوانمرگ و ستم کشته در چنگال های دشمنان

شروع افغانستان و آزادی های انسانی؛ با دهن کجی های ابلهانه و لئیمانه نظر کنند!